

نقش خانواده در شکل‌گیری عقاید قالبی جنسیتی

صمد رسول زاده‌ی اقدام^۱

سودا شفاف زمردی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۸

چکیده

نگرش‌های مبتنی بر جنسیت اغلب یک اعمال اجتماعی را بر سر چگونگی اعمال رفتارها و نقش‌های جنسیتی بدون توجه به تفاوت‌های فردی نشان می‌دهد. چنین ساختاری می‌تواند از عوامل تقویت‌کننده‌ی نابرابری‌های جنسیتی به شمار آید. در این پژوهش با هدف تبیین نوع تصورات قالبی منسوب به زنان و مردان به مطالعه‌ی برخی از ویژگی‌هایی که باعث ایجاد این تصورات می‌شود می‌پردازد. بسیاری از تفاوت‌های مردان و زنان در جایگاه‌های مختلف زندگی اجتماعی دارای منشأ زیست‌شناختی نیستند، چرا که محیط اجتماعی- فرهنگی نقش مؤثری در جهت‌دهی به افکار و رفتارهای جنسیتی افراد جامعه دارد. جامعه‌پذیری جنسیتی فرایندی است که در آن هویت نقش جنسی فرد شکل می‌گیرد و این فرآیند شامل مؤلفه‌هایی نظیر ترجیح نقش جنسیتی، شناسایی نقش‌های جنسیتی و شناخت معیارهای جنسیتی است.

واژگان کلیدی: انواع والدین (مقتدر؛ مستبد و سهل‌گیر)؛ ادراک نقش‌های جنسیتی؛ هویت جنسیتی؛ عقاید قالبی جنسیتی؛ نابرابری و تبعیض جنسیتی؛ جامعه‌پذیری جنسیتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال

^۲- دانش‌آموخته‌ی کارشناسی پژوهش اجتماعی دانشگاه تبریز

مقدمه

در تمامی جوامع نژاد؛ قومیت؛ مذهب؛ زبان و ... انسان‌ها را در گروه‌ها و طبقات مختلف دسته بندی کرده و از این طریق دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به هر گروه به وجود آمده است. یکی از قدیمی‌ترین دسته بندی‌ها تقسیم جامعه به دو جنس مرد و زن است. بسیاری از تفاوت‌های مردان و زنان در جایگاه‌های مختلف زندگی اجتماعی دارای منشأ زیست شناختی نیستند چرا که محیط اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در جهت دهی به افکار و رفتارهای جنسیتی افراد جامعه دارد. بنابراین در بحث تفاوت‌ها باید میان جنس و جنسیت تمایز قائل شد. در تعریف جنس نگاه متوجه آن دسته از تفاوت‌های بیولوژیکی و آناتومیکی است که زنان را از مردان متمایز می‌کند (گیسنز: ۱۳۷۳). در صورتی که جنسیت انتظارات اجتماعی از رفتار مناسب هر جنس است (همان: ۷۸۰). نسبت دادن ویژگی‌های خاص به زنان و مردان باعث ایجاد الگوی عقاید قالبی جنسیتی یا در اصطلاح جامعه شناسی کلیشه‌های جنسیتی می‌گردد (اعزازی، ۱۳۸۰). کلیشه‌های جنسیتی در واقع دیدگاه‌هایی هستند که افراد باور دارند که در مورد یک جنس بیش از جنس دیگر صدق می‌کند. همچنین ایجاد شکاف ساختاری بین منافع دو جنس بر دامنه‌ی نابرابری‌های جنسیتی می‌افزاید. همچنین تربیت‌های والدین اثرات طولانی بر رفتار؛ عملکرد و انتظارات و در نهایت شخصیت افراد در آینده دارد و مسأله‌ی دیگری که کودک در خانواده یاد می‌گیرد.

نابرابری جنسیتی به وضعیتی اشاره دارد که در آن زنان عموماً تحت سلطه‌ی مردان جامعه قرار دارند و موقعیت زنان و مردان به دو حوزه‌ی خصوصی و عمومی تفکیک شده است و از یکدیگر متمایز می‌گردد. نوع متفاوت درگیری دو جنس در حوزه‌ی عمومی و زندگی اجتماعی به این گونه تمایزات وسعت بخشیده و به نقش اجتماعی مردان ارزش بیشتری اعطا می‌کند.

در بررسی نابرابری مردان در اثر تفاوت در جامعه پذیری توسط شهلا اعزازی (۱۳۸۰) پاسخ‌گویان صفات برتر زنان و مردان را از روی سیاه‌ای از صفات دوگانه مشخص کردند. صفات مردانه صفاتی هستند که در روابط اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند. نظیر صفاتی مانند مستقل؛ مصمم؛ خطرپذیر؛ جسور؛ قوی. در حالی که در کلیشه‌های جنسیتی زنانه، زنان با صفاتی مانند دلسوز، شکیبا و مهربان و با ویژگی‌های ظاهری مانند ظرافت و زیبایی توصیف می‌شوند. این صفات به طور معمول در

محیط‌های خانواده ارزش دارد. تحقیقات انجام شده در باب گفتار زنانه و مردانه نشان می‌دهد که تصور عمومی از «گفتار مردانه» گفتاری است منطقی، کوتاه و در راستای مطالب مهم و جدی. در صورتی که تصور عمومی از «گفتار زنانه» گفتاری است عاطفی، مبهم و پر لغت. در همه‌ی فرهنگ‌ها خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. اجتماعی شدن فرایندی است که به وسیله‌ی آن از طریق تماس با انسان‌های دیگر کودک ناتوان به تدریج به انسانی آگاه، دانا، ماهر در شیوه‌های رفتار به ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می‌شود. در بررسی برگر (۱۹۹۲)، مشخص شد افرادی که نیازهای دوره‌ی کودکی آن‌ها به گونه‌ای مناسب ارضا نشده باشد به هنگام وقوع فقدان‌ها احتمال بیشتری دارد که دچار افسردگی شوند. والدین با انتقال باورهای تبعیض آمیز جنسیتی خواسته یا ناخواسته در شکل‌گیری رفتارهای تبعیض آمیز نقش به‌سزایی دارند. با توجه به این تأثیرات محدود نکردن کودکان به نقش‌های جنسیتی خاص و سوق دادن آن‌ها به هر دو سو، مفید است به طوری که به کلی منکر تفاوت‌ها نشویم. کودکان از سنین پایین با معنای دختر بودن و پسر بودن در جامعه‌ی امروزی آشنا می‌شوند آن‌ها در متن جامعه از میان کلیه‌ی رفتارهای آشکار و اشاره‌های نمان، تفاوت‌های جنسیتی را تجربه می‌کنند؛ و خانواده‌ها باید به فرزندان خود اعتماد به نفس و مهارت تصمیم‌گیری را آموزش دهند به خصوص به دختران تا در آینده دچار مشکل نشوند. نحوه‌ی برخورد والدین با فرزندان باعث می‌شود ویژگی‌هایی همچون پرخاشگری، رقابت، اتکای به نفس و استقلال بیشتر از پسرها مورد انتظار باشد و به آن‌ها توصیه می‌شود که برای احقاق حق خود ایستادگی کنند در عوض از دختران انتظار می‌رود که سازش کنند و صلح جو، مهربان و مراقبت‌کننده باشند. خانواده از قدرت بالایی در اجتماعی کردن کودکان برخوردار است چرا که خانواده با محدود کردن نقش‌های جنسیتی دختران نه تنها باعث پذیرش جنس دوم بودن دختران می‌شود، بلکه با محدود کردن خلاقیت‌ها، عرصه‌ها و ابعاد زندگی، عملاً شکل‌گیری شخصیت دختران را مطابق با الگوهای مورد نظر طراحی می‌کنند (چنکینز، ۱۳۸۱).

اهداف تحقیق

۱- بررسی نقش خانواده در شکل‌گیری عقاید قلبی جنسیتی

- ۲- بررسی نقش خانواده در شکل گیری عقاید قلبی جنسیتی
- ۳- بررسی نقش خانواده در شکل گیری هویت فرزندان
- ۴- بررسی نقش خانواده در شکل گیری تبعیض جنسیتی

مبانی نظری تحقیق

در خصوص این که اصولاً منشأ تفاوت جنسیتی چیست؟ و چگونه شکل می‌گیرند؟ نظریه‌هایی در خصوص این زمینه از نظریه‌پردازانی آورده می‌شود. فروید، در تفسیر تفاوت‌های جنسیتی بر تجارب اولیه‌ی کودک در خانواده و تفاوت در همانندسازی کودکان با والدینشان تأکید دارد. جرج هربرت مید و کولی، از صاحب نظران هستند که با دیدگاه جامعه‌شناسانه تفاوت‌های شکل گیری شخصیت را به وسیله‌ی گسترش «من اجتماعی» بررسی کرده‌اند. از نظر مید، خود، به واقعیتی اطلاق می‌گردد که فقط در جریان تجارب و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

نظریه‌ی جامعه پذیری

در تمام جوامع انسانی، تمایزهای اجتماعی بر پایه جنسیت بین زنان و مردان شناخته شده است. جنسیت، نظام طبقه‌بندی است که روابط بین زنان و مردان را شکل می‌بخشد و بر دست‌یابی به قدرت و منابع تأثیر می‌گذارد. تمایزهای جنسیتی در سطوح مختلف جامعه رخ می‌دهد و تأثیر آن به قدری گسترده است که گاه افراد حتی از حضور آن‌ها در پیرامون خود آگاهی ندارند. مفاهیم و فرایندهای جنسیتی بر رفتار، افکار، احساسات فردی و تعامل‌های بین فردی اثر می‌گذارد و به تعیین ساختارهای اجتماعی کمک می‌کند و سرانجام تفاوت‌های جنسیتی را تداوم می‌بخشد. کلیشه‌های جنسیتی برآمده از این تمایزهای جنسیتی نیز در سه سطح فردی، بین فردی و اجتماعی اثر دارد و طرح واره‌های ذهنی زنان را درباره زنانگی و مردانگی تشکیل می‌دهد. هرگاه زنان به شناخت و درک بیشتری از این طرح‌واره‌های ذهنی دست یابند. در موقعیتی بهتر برای تغییر دادن آرایه‌های از پیش تعیین شده‌ی فرهنگی اجتماعی قرار خواهند گرفت. نقش‌های اجتماعی در صورت شایستگی افراد می‌تواند برای همه قابلیت دسترسی داشته باشند و در تغییر نقش‌های اجتماعی مختلف به شکل

مفهوم برتری یا کهنتری یک جنس بر جنس دیگر، نخست در مورد خود زنان و سپس جامعه راه‌گشا و رهنمون باشد (مطالعات زنان، دکتر اکرم خمسه: ۱۳۸۳).

نظریه‌ی یادگیری

مطابق نظریه‌ی یادگیری بم افراد طی فرآیند جامعه‌پذیری از طریق سازوکارهای تقویت و تقلید صفات و ویژگی‌های متناسب با جنسیت خود را از دیگران به ویژه والدین و سایر اعضای خانواده یاد می‌گیرند. والدین خود به شیوه‌های متفاوت از فرزندانشان جامعه‌پذیر شده‌اند و دارای نگرش‌های سستی راجع به روابط و رفتارهای اجتماعی فرزندان و به ویژه دختران می‌باشند و با به‌کارگیری پاداش و تنبیه برخی از کلیشه‌های جنسیتی راجع به صفات، نگرش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای مناسب برای زنان و مردان را به فرزندانشان منتقل یا تحمیل می‌کنند.

نظریه‌ی شناختی

در نظریه‌ی شناختی بم، فرزندان در خانواده هویت می‌یابند و نسبت به نقش‌های خود و رفتارهای جنسیتی آگاهی پیدا می‌کنند. بر اساس نظریه‌ی طرح‌واره‌ی جنسیتی فرهنگ نقش مهمی در رشد جنسیتی دارد. طرح‌واره‌ی جنسیتی یک نوع چهارچوب کلی آگاهی است که فرد نسبت به موضوعی دارا می‌باشد به علاوه این مفهوم ادراک فرد را سازماندهی و هدایت می‌کند.

نظریه‌ی طرح‌واره

بم، نظریه‌ی طرح‌واره‌ی خود را در ارتباط با سنخ‌شناسی جنسیتی به کار گرفته است او استدلال می‌کند که هر کدام از ما دارای طرح‌واره‌ی جنسیتی و رشته‌ای از تداعی‌های منسوب به جنسیت می‌باشیم. بم، معتقد است که نقش‌پذیری جنسیتی کودکان و تشکیل کلیشه‌های جنسیتی در افراد به واسطه‌ی فرآیند یادگیری تدریجی محتوای طرح‌واره‌ی جنسیتی جامعه‌می‌باشد. زیرا تداعی‌های منسوب به جنسیت در فرهنگ ما چشمگیر است. به فرض ذهنیاتی چون «پسران قوی و دختران ضعیف و خوشگل و...» هستند در این مقوله جای می‌گیرد.

به این ترتیب دختر پنج‌ساله می‌داند که مؤنث است و باید این مفهوم را با مؤنث بودن خویش همسنگ نماید. بنابراین به طور غیر ارادی این دختر خود را با شرایط متعارف و هنجارهای اجتماع

سازگار می‌کند (هاید، ۱۳۸۰). ایدئولوژی جنسیتی یا همان اعتقادات در مورد تفاوت‌های اصلی و ایدئولوژیک میان زن و مرد. ایدئولوژی جنسیتی عبارت است از عقایدی درباره‌ی تفاوت‌های زیست‌شناختی زن و مرد که نابرابری را توجیه می‌کند.

نظریه‌ی نقش

بورديو(۱۹۹۹:۱۵) و چافتز(۱۹۹۸:۲۳۸)، اهمیت نقش جامعه‌پذیری را در شکل‌گیری تعاریف جنسیتی و خشونت نمادین که توجیه‌کننده‌های اصلی نابرابری جنسیتی‌اند مورد تأکید قرار داده‌اند. از اساسی‌ترین آموخته‌های هر فرد در جریان جامعه‌پذیری جنسیتی، نقش‌های جنسیتی مناسب و شیوه‌ی ایفای آن است. فرآیند آموزش ارزش‌ها، تشکیل طرز تلقی‌ها و فراگیری رفتارهای متناسب با هنجارهای پذیرفته‌ی یک جامعه، جامعه‌پذیری نامیده می‌شود. با تحقق این فرآیند فرد هویت و من اجتماعی می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۰:۷۴۲). عوامل جامعه‌پذیری نقش مهمی در انتقال عقاید قالبی جنسیتی به عهده دارند (گرت، ۱۳۸۰:۴۲-۴۴-۴۷-۴۹). اصولاً جامعه‌شناسان عوامل یا کارگزاران جامعه‌پذیری را به چند بخش عمده تقسیم می‌کنند: خانواده، مدارس و رسانه‌ها (ساروخانی، ۱۳۷۰:۷۴۴).

این عوامل معمولاً از زنان تصویری مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم دارند. رفتار جنسی مناسب زنان که در فرآیند جامعه‌پذیری آموخته می‌شود تا حد زیادی آمیخته به عقاید قالبی جنسیتی است که از طریق عوامل جامعه‌پذیری منتقل می‌شود. مسلماً این رفتارهای جنسیتی کاملاً متمایز و متفاوت از مردان است که نحوه‌ی عمل کرد متقابل دو جنس را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همیشه در روابط متقابل اجتماعی و ارتباطات، تعاریفی از نقش‌ها، فعالیت‌ها و احساسات متناسب با هر جنس ارائه می‌شود که مبنای ساخت هویت جنسیتی هر فرد است. اندیشه‌ی افراد درباره‌ی خودشان نه در تنهایی بلکه در روابط متقابل شکل می‌گیرد. در این فرآیند، نه تنها نقش‌های اجتماعی، بلکه ارزش آن‌ها هم تعیین و تعریف می‌شود و این طرز تلقی‌ها با روابط اجتماعی تولید و باز تولید می‌شود. در بیش‌تر جوامع ویژگی‌های قالبی شده‌ی زنان به عنوان ویژگی‌های بیانی صمیمیت و ویژگی‌های قالبی - شده‌ی مردان به عنوان ویژگی‌های رقابتی در نظر گرفته می‌شود.

از دیدگاه جامعه‌شناختی می‌توان نقش را (خواسته‌های ساختاری معین) تعریف کرد که با موقعیت اجتماعی معین ارتباط دارد. بر این اساس نقش چیزی بیرون از فرد است. می‌توان نقش را جهت‌گیری یا مفهوم عضوی دانست که فعالیت را انجام می‌دهد. نقش‌های جنسیتی، نقش‌هایی است که به لحاظ فرهنگی، مجموعه‌ای از رفتارهایی را که بر اساس جنسیت تفکیک یافته‌اند تعریف می‌کند؛ و ایدئولوژی نقش جنسی به قضاوت‌های ارزشی درباره نقش‌های مناسب زنان و مردان، یا نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که هر یک از ۲ جنس باید به نمایش بگذارند اشاره می‌کند. در این باره می‌توان نقش‌های جنسیتی را به عنوان رفتارهای مورد انتظار، نگرش‌ها، وظایف، و برتری‌هایی که جامعه به هر جنس می‌دهد تعریف کرد. در نظریه‌ی تنش اجتماعی، زنان و مردان، زنانگی و مردانگی را از شرایط اجتماعی می‌آموزند و حتی نقش‌های جنسیتی مرتبط با جنس زیستیشان را از راه کنش متفاوت با ساختارهای اجتماعی هم چون خانواده، مدرسه و وسایل ارتباطی یاد می‌گیرند (به نقل از ترنر، ۱۹۹۹).

جامعه‌پذیری مبتنی بر جنسیت، تعاریف خاصی از مردانگی و زنانگی و تعاریف فرا دستی و فرودستی زنان و مردان را مستعد برای احساس بی‌اعتمادی و ناامنی می‌سازد. در نتیجه در صورت وجود تبعیض جنسیتی در خانواده و در جامعه باعث ایجاد بی‌اعتمادی و از دست رفتن اعتماد متقابل می‌شود که این حسی بی‌اعتمادی افراد به یکدیگر باعث ایجاد مشکلات متعددی می‌شود.

نظریه‌ی نابرابری

برانت، نیز در خصوص نابرابری جنسیتی اشاره به برتری یک جنس در مقایسه با جنس دیگر و اعمال رفتار کلیشه‌ای جنسیتی به فرزندان دارد؛ و همچنین به زنان در همه‌ی زمینه‌ها صلاحیت کمتر داده می‌شود (برانت، ۱۹۹۹: ۳۵۲).

میلت، نیز در خصوص نابرابری جنسیتی نظریه‌ی ای ارائه می‌دهد که در آن خانواده جنس مرد را برتر می‌داند و همین برتری دادن جنس مرد باعث نابرابری جنسیتی و همچنین تبعیض جنسیتی بین زن و مرد می‌شود.

دائینگ و راش، در مورد هویت جنسیتی، پذیرش تفاوت نقش‌های جنسیتی از سوی افراد اعم از زن و مرد که باعث احساس خصومت و تضاد در نقش‌ها می‌شود این تضاد خود باعث می‌شود که زنان روابط خود با مردان را نفی کنند. همین نفی روابط با مردان باعث کسب هویت و شکل‌گیری هویت جنسیتی می‌شود (فیشرو دیگران، ۲۰۰۰: ۱۵).

زیگلن، در خصوص سبک‌های فرزند پروری نظریه‌ای را مطرح می‌کند. زیگلن روش‌های ارتباطی والدین و فرزندان را به ۳ قسمت کلی تقسیم کرده است: ۱- والدین مقتدر ۲- والدین مستبد ۳- والدین سهل‌گیر

والدین مقتدر: والدین مقتدر انعطاف‌پذیر و مطالبه‌کننده هستند. آن‌ها بر روی فرزندانشان کنترل اعمال می‌کنند اما در عین حال پذیرنده و پاسخ‌دهنده نیز هستند. به طور پیوسته قوانین را اجرا می‌کنند. آن‌ها همچنین دلیل و منطق این قوانین و محدودیت‌ها را توضیح می‌دهند. نسبت به نیازها و دیدگاه‌های کودکانشان ابراز وجود کنند. همچنین این کودکان از لحاظ اجتماعی مسؤلیت‌پذیری خود نظام ده و اهل مشارکت می‌باشند (بامریند، ۱۹۹۱ نقل از زیگلن، ۱۹۹۹).

والدین مستبد: این والدین قوانین را به طور انعطاف‌ناپذیری تحمیل می‌کنند از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گر هستند با رفتار بد مقابله می‌کنند و کودک بدرفتار را تنبیه می‌کنند. ابراز محبت و صمیمیت آن‌ها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آن‌ها امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و عقایدشان را جویا نمی‌شوند. کودکان دارای چنین والدین ثبات روحی و فکری ندارند و خویشتن را بدبخت می‌پندارند. آن‌ها زود ناراحت می‌شوند و در برابر فشارهای روانی آسیب‌پذیرند. والدین مستبد، قدرت مدار و واضع قانون هستند و انتظار دارند دستوراتشان بدون توضیح دادن اطاعت شود (زیگلن، ۱۹۹۹).

والدین سهل‌گیر: این والدین نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی سهل‌انگار هستند. نظم و تربیت و قانون کلی در این نوع خانواده حاکم است و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی بسیار کم است هر کس هر کاری را که بخواهد می‌تواند انجام دهد. فرزندان در چنین خانواده‌هایی دارای استقلال فکری و عملی هستند و به سبب هرج و مرج، نوعی تزلزل روحی در این گونه خانواده‌ها به چشم می‌خورد. این تزلزل باعث بی‌بندوباری کودکان شده و سبب می‌شود آنان نسبت به زندگی

احساس مسؤولیت نکنند. همچنین از ویژگی‌های فرزندان رشد یافته در چنین خانواده‌هایی می‌توان گفت که آن‌ها در مقابل بزرگسالان مقاوم و لجوجند، آن‌ها دارای اتکای به نفس پایینی هستند، زود خشمگین و زود خوشحال می‌شوند تکانشی و پرخاشگرند و در مقابله با فشارهای روانی دچار مشکل می‌شوند (زیگلن، ۱۹۹۹).

پیشینه ی تحقیق

۱- آگاهی از نابرابری جنسیتی: مدلی برای سنجش میزان شناخت از نابرابری جنسیتی عنوان پژوهشی است که منصوره اعظم آزاد (۱۳۸۴) انجام داده است. چکیده این تحقیق چنین است: رویکردهای معاصر گرچه به تضعیف هویت و آگاهی طبقاتی رأی می‌دهند. در مقابل به تقویت جنسیت به عنوان جنبه‌ی فعال و سیاسی آن می‌پردازند. رشد آگاهی در زنان و هویت یابی زنانه بخشی به درگیری آن‌ها در تعاملات اجتماعی و حوزه عمومی و بخش دیگری به فعالیت‌هایی آگاهی بخش جنبش‌های زنان نسبت داده می‌شود. علی‌رغم طرح مسأله زنان به عنوان یک گروه اجتماعی و با فرض رشد آگاهی جامعه نسبت به نابرابری‌ها و شکاف جنسیتی و باز تعریف هویت زنانه، هنوز دقیقاً مشخص نشده است که در ذهنیت فرهنگی جامعه و خصوصاً زنان در مورد آنچه می‌گذرد. زنان ایرانی با پیشینه‌های مختلف موقعیت خود را در سلسله مراتب اجتماع و در خانواده چگونه ارزیابی می‌کنند.

۲- رابطه‌ی ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس عنوان تحقیقی است که راضیه ظهره‌وند (۱۳۸۳) انجام داده است. تفاوت‌های روان‌شناختی دختران و پسران به علت تأثیر گذاری آن در جامعه پذیری نوجوانان و آگاهی آنان به نقش‌های جنسیتی خود، اهمیت زیادی یافته است. هدف این پژوهش بررسی این تفاوت‌ها است که در چهارچوب نظریه طرح واژه جنسیتی بم انجام شده است گرد آوری اطلاعات با استفاده از روش پرسشنامه بوده که بیش از ۵۰۰ دانش‌آموز دبیرستان آن‌ها را تکمیل کرده‌اند. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که باورهای جنسیتی دختران و پسران جوان تفاوت‌های زیادی با همدیگر دارد. چنانچه باورهای جنسیتی پسران در مقایسه با دختران غیر کلیشه‌ای تر است. دختران بیش از پسران آرزو دارند که در صورت تولد دوباره جنس دیگری داشته باشند این مسأله مؤید آن است که دختران کمتر از پسران از جنس خود رضایت دارند.

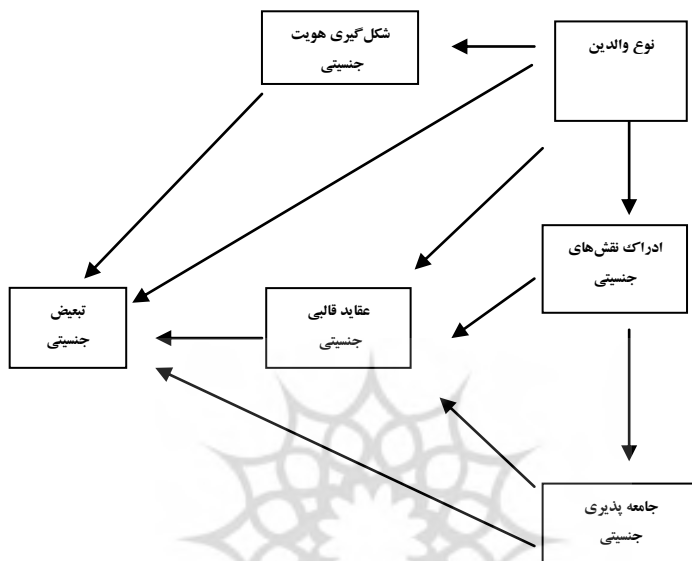
۳- تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر باورهای قلبی بر نابرابری جنسیتی مورد مطالعه ی شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن در سال (۱۳۸۴) توسط سعیده گروسی صورت گرفته است. این تحقیق با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی، به ویژه عوامل ایدئولوژیک و عقاید قلبی انجام شده است نمونه ی مورد پژوهش ۶۸۲ نفر از زنان متأهل ساکن شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن بوده. یافته ها نشان داد که در این منطقه نابرابری جنسیتی به گونه ای محسوس وجود دارد. مهم ترین عوامل مؤثر بر نابرابری جنسیتی خانواده چنین بوده است: سطح تحصیلات زن و مرد، سن زن و مرد، محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، جامعه پذیری جنسیتی، ایفای نقش جنسیتی، ایدئولوژی جنسیتی، عقاید قلبی جنسیتی و ... که در ارتباط با متغیر وابسته نابرابری جنسیتی مورد مطالعه قرار گرفته اند نتایج نشان داد که بیشتر زنان به عقاید قلبی که زنان را ضعیف، وابسته، ناتوان، بی صلاحیت، احساساتی و غیر منطقی می دانند باور دارند (گروسی، ۱۳۸۴).

فرضیه های تحقیق

در راستای اهداف و پرسش های تحقیق و با توجه به مبانی نظری طرح، فرضیه های زیر تدوین شده است.

- ۱- بین نوع والدین و جنسیت رابطه ی معنا داری وجود دارد.
- ۲- بین عقیده ی قلبی جنسیتی و جنسیت رابطه ی معناداری وجود دارد.
- ۳- بین هویت جنسیتی و جنسیت رابطه ی معناداری وجود دارد.
- ۴- بین ادراک نقش های جنسیتی و جنسیت رابطه ی معناداری وجود دارد.
- ۵- بین ادراک نقش های جنسیتی و نوع والدین رابطه ی معناداری وجود دارد.
- ۶- بین عقیده ی قلبی جنسیتی و نوع والدین رابطه ی معناداری وجود دارد.
- ۷- بین کلیشه های جنسیتی پسران و دختران رابطه ی معناداری وجود دارد.

مدل نظری



شکل شماره ۱-مدل تحلیلی تحقیق

روش پژوهش

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای زمینه‌ای

از مجموعه حجم نمونه این پژوهش که به تعداد ۲۱۰ نفر از دانشجویان بودند حدود ۱۲۷ نفر (۶۰/۵ درصد) از نمونه‌ی آماری شامل زنان می‌باشد و حدود ۸۳ نفر (۳۹/۵ درصد) بقیه را مردان تشکیل می‌دهند. در خصوص رشته‌ی تحصیلی ۱۱۵ نفر از کل نمونه‌ی ۲۱۰ نفری دانشجوی رشته‌ی علوم انسانی، ۳۹ نفر دانشجوی رشته‌ی کشاورزی و ۵۶ نفر دانشجوی رشته‌ی فنی می‌باشند.

نتایج تحلیل یک متغیره

هویت جنسیتی یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق می‌باشد که بیشترین فراوانی (۴۷/۶ درصد یا ۱۰۰ نفر) مربوط به پاسخگویانی است که اظهار داشته‌اند که از هویت جنسیتی نسبتاً بالایی برخوردارند و (۱/۹ درصد یا ۴ نفر) از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که از هویت جنسیتی بسیار پایینی برخوردارند.

ادراک نقش، یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق است و فرض ما بر آن است که هرچه میزان ادراک افراد از نقش‌هایشان بیشتر باشد کمتر دچار نابرابری جنسیتی خواهند شد. بر اساس نتایج به دست آمده اکثر پاسخ‌گویان (۸۷/۶ درصد) از ادراک بالا و نسبتاً بالایی از نقش‌های خود دارند؛ و تنها (۱۲/۵ درصد) از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که از ادراک نقش پایینی برخوردارند.

نوع والدین یکی دیگر از متغیرهای مستقل این تحقیق است که (۳۹/۵ درصد) از دانشجویان اظهار داشته‌اند که در خانواده‌ای از نوع والدین مستبد پرورش یافته‌اند و (۳۲/۴ درصد) از دانشجویان دارای والدین مقتدر هستند و (۲۸/۱ درصد) از دانشجویان دارای والدین سهل‌گیر می‌باشند.

عقاید قالبی جنسیتی یکی دیگر از متغیرهای مستقل پژوهش است که بر اساس نتایج به دست آمده (۵۸/۵ درصد) از دانشجویان دارای کلیشه‌های جنسیتی می‌باشند. از جمله کلیشه‌های جنسیتی زنانه‌ی این پژوهش (جذاب بودن، خوش برخورد بودن، امانت‌داری، ترسویی، صمیمیت، مطیع، محافظه‌کاری) و کلیشه‌های جنسیتی مردانه عبارت است از: (ریسک‌پذیری، پرخاشگری، شجاعت، استقلال، جسارت، سلطه‌گری، خود رأیی)

جدول شماره ۴- کلیشه‌های جنسیتی پسران

مؤلفه	نمره‌ی سازه‌ی پسران	نمره‌ی سازه‌ی دختران
عقلانیت رفتاری	۶۵٫۸	۴۹٫۱
خشونت ذهنی	۷۲٫۵	۵۲٫۵
عدم وابستگی	۷۳٫۵	۴۸٫۲
اقتدارگرایی	۶۸٫۲	۶۵٫۱
راحت طلبی	۵۸٫۲	۵۱٫۱
خشونت رفتاری	۵۸٫۷	۵۳٫۵

جدول شماره ۵- کلیشه‌های جنسیتی دختران

مؤلفه	نمره‌ی سازه‌ی پسران	نمره‌ی سازه‌ی دختران
مشکلات عاطفی	۴۹,۵	۵۸,۲
همدلی	۴۵,۷	۷۱,۱
رفتار اجتماعی مطلوب	۴۹,۲	۶۷,۵
وابستگی	۴۵,۲	۵۹,۲
رفتار فردی مثبت	۵۳,۷	۶۵,۸
جذابیت ظاهری	۵۴,۷	۷۲,۷

آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این قسمت به بررسی روابط بین متغیرها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از ضرایب همبستگی و رگرسیون چند متغیره پرداخته می‌شود.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی اول: (جنسیت و والدین)

جدول شماره ۶- نتایج آزمون T-test بین متغیرهای جنسیت و والدین مقتدر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
جنسیت و والدین مقتدر	با واریانس برابر	۱/۷۰	-۱/۹۰۱	۲۰۷	۰/۰۵۹	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۱/۹۲				

۱- بین جنسیت و والدین مقتدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -1/901$ و $sig = 0/059$ است. فرضیه‌ی اصلی تأیید می‌شود و گویای این است که بر طبق نتایج به دست آمده پسران بیشتر از دختران اظهار داشته‌اند که در خانواده‌ی ای از نوع والدین مقتدر پرورش یافته‌اند. از ویژگی‌های والدین مقتدر دادن استقلال به فرزندان و تبعیض نگذاشتن بین اعضای خانواده به خصوص فرزندان دختر و پسر و صمیمیت بین اعضای خانواده می‌باشد.

جدول شماره ۷- نتایج آزمون T-test بین متغیرهای جنسیت و والدین مستبد

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
جنسیت و والدین مستبد	با واریانس برابر	۱/۶۱	-۱/۶۱۵	۲۰۶	۰/۰۹۲	تأیید فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۲/۸۲				

۲- بین جنسیت و والدین مستبد رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -1/615$ و $sig = 0/092$ است بنابراین فرضیه‌ی اصلی رد می‌شود. انتظار داشتیم که دختران بیشتر از پسران در خانواده‌ی ای

از نوع والدین مستبد پرورش یابند. زیرا عقایدی که بر افکار دختران حاکم است بیشتر از ویژگی‌های والدین مستبد سرچشمه می‌گیرد ولی فرضیه‌ی ما رد شد.

جدول شماره ۸-T-test نتایج آزمون بین متغیرهای جنسیت و والدین سهل گیر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
جنسیت و والدین سهل گیر	با واریانس برابر	۲/۶۷	-۲,۴۱۲	۲۰۸	۰/۰۶	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۲/۸۷				

۳- بین جنسیت و والدین سهل گیر رابطه‌ی معنا داری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -۱/۴۱۲$ و $T = ۰/۰۶$ $\text{sig} =$ می‌باشد و فرضیه‌ی اصلی تأیید شد. گویای این مطلب است که پسران بیشتر از دختران دارای والدین سهل گیر می‌باشند؛ و با اینکه پسران در خانواده ای پرورش یافته‌اند که تمام نیاز های آنان را خانواده برطرف کرده است ولی از نظر محبت کمبود احساس می‌کنند.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی دوم: (جنسیت و عقاید قلبی جنسیتی)

جدول شماره ۹- نتایج آزمون T-test بین متغیرهای جنسیت و عقاید قلبی جنسیتی

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
جنسیت و عقاید قلبی جنسیتی	با واریانس برابر	۲/۵۲۰۰	-۶/۲۴۸	۲۰۶	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۳/۳۶۱۴				

بین جنسیت و عقاید قلبی جنسیتی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون $T = -۶/۲۴۸$ $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ می‌باشد گویای آن است که بین جنسیت و عقیده قلبی جنسیتی رابطه‌ی معنی داری وجود دارد. فرضیه اصلی تأیید می‌شود. نشان دهنده‌ی این است که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ داشتن عقاید قلبی تفاوت وجود دارد. از جمله عقاید قلبی جنسیتی در پسران عقلانیت رفتاری، عقلانیت علمی، خشونت رفتاری، اقتدار گرایی و نداشتن وابستگی می‌باشد. عقاید قلبی جنسیتی در دختران جذابیت ظاهری، رفتار اجتماعی مطلوب، مشکلات عاطفی، وابستگی می‌باشد.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی سوم: (جنسیت و هویت جنسیتی)

جدول شماره ۱۰- نتایج آزمون T-test بین متغیرهای جنسیت و هویت جنسیتی

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
جنسیت و هویت جنسیتی	با واریانس برابر	۴/۰۱۵	-۱/۲۱۷	۲۰۸	۰/۰۳	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۳/۸۰				

بین جنسیت و هویت جنسیتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -1/217$ و $sig = 0/03$ می‌باشد. نشان دهنده‌ی تأیید فرضیه‌ی اصلی می‌باشد. نمونه‌ای از گویه‌های متغیر هویت عبارت است از: خشن بودن مردان و عاطفی بودن زنان. طبق نتایج به دست آمده بین دانشجویان دختر و پسر در پذیرش هویت جنسیتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی چهارم: (جنسیت و ادراک نقش‌های جنسیتی)

جدول شماره ۱۱- نتایج آزمون T-test بین متغیرهای جنسیت و ادراک نقش‌های جنسیتی

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
جنسیت و ادراک نقش‌های جنسیتی	با واریانس برابر	۲/۳۹۳۷	۰/۹۵۶	۲۰۸	۰/۳۴۰	تأیید فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۲/۲۵۳۰				

بین جنسیت و ادراک نقش‌های جنسیتی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = 0/956$ و $sig = 0/34$ می‌باشد. فرضیه اصلی رد و فرضیه‌ی صفر تأیید می‌شود و گویای این است که بین دانشجویان دختر و پسر در ادراک از نقش‌های جنسیتی خود تفاوتی وجود ندارد.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی پنجم: (ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین)

جدول شماره ۱۲- نتایج آزمون T-test بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مقتدر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مقتدر	با واریانس برابر	۱/۸۱	-۱/۸۷۳	۲۰۸	۰/۰۹۱	تأیید فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۱/۹۲				

۱- بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مقتدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون $T = -1/873$ و $Sig = 0/91$ می‌باشد. بنابراین فرضیه‌ی اصلی رد می‌شود. در نتیجه دانشجویانی که در والدین مقتدر پرورش یافته‌اند از نظر ادراک نقش‌های جنسیتی تفاوتی وجود ندارد.

جدول شماره ۱۳- نتایج آزمون T-test بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مستبد

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مستبد	با واریانس برابر	۱/۷۰	-۱/۸۵۶	۲۰۷	۰/۰۳	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۱/۹۲				

۲- بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مستبد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = 1/856$ و $Sig = 0/03$ می‌باشد و فرضیه‌ی اصلی تأیید می‌شود؛ و نشانگر آن است که دانشجویانی که دارای والدین مستبد هستند از نظر ادراک نقش‌های جنسیتی تفاوت‌های معنا داری دارند.

جدول شماره ۱۴- نتایج آزمون T-test بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین سهل گیر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین سهل گیر	با واریانس برابر	۲/۸۳	-۱/۲۹۵	۲۰۷	۰/۰۵	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۳/۴۶۴				

۳- بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین سهل گیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -1/295$ و $Sig = 0/05$ می‌باشد بنابراین فرضیه‌ی اصلی تأیید می‌شود؛ و نشان دهنده‌ی این است که دانشجویانی که در خانواده‌ی ای از نوع والدین سهل گیر پرورش یافته‌اند از لحاظ ادراک نقش‌های جنسیتی و آگاهی جنسیتی تفاوت معناداری دارند نسبت به کسانی که در خانواده‌ی ای از نوع والدین مقتدر پرورش یافته‌اند.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی ششم: (عقاید قالبی جنسیتی و والدین)

جدول شماره ۱۵- نتایج آزمون T-test بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مقتدر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
عقاید قالبی جنسیتی و والدین مقتدر	با واریانس برابر	۱/۹۷	-۱/۰۹۹	۲۰۷	۰/۲۷۰	تأیید فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۱/۶۸				

۱- بین عقاید قالبی جنسیتی و والدین مقتدر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -1/099$ و $Sig = 0/27$ می‌باشد و در نتیجه فرضیه‌ی اصلی رد می‌شود. بدین معنی که دانشجویانی که در

نقش خانواده در شکل‌گیری عقاید قالبی جنسیتی

خانواده ای از نوع والدین مقتدر پرورش یافته‌اند از نظر عقاید قالبی جنسیتی تفاوت معناداری وجود ندارد. والدین مقتدر فرزندان خود را طوری تربیت می‌کنند که هیچ‌گاه مرد را جنس برتر و زن را جنس دوم نبینند.

جدول شماره ۱۶- نتایج آزمون T-test بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین مقتدر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
عقاید قالبی جنسیتی و والدین مستبد	با واریانس برابر	۲/۵۳	-۱/۱۳۹	۲۰۶	۰/۰۳	رد فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۳/۵۶				

۲- بین عقاید قالبی جنسیتی و والدین مستبد رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = -1/139$ $sig = 0/03$ می‌باشد و در نتیجه فرضیه‌ی اصلی تأیید می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده دانشجویانی که با والدین مستبد پرورش می‌یابند از لحاظ عقاید قالبی جنسیتی تفاوت معناداری دارند نسبت به کسانی که با والدین مقتدر پرورش می‌یابند. والدین مستبد سخت‌گیری بیشتری نسبت به فرزندان خود اعمال می‌کنند مخصوصاً نسبت به دختران و همچنین جنس مرد را جسور، قوی و قاطع می‌دانند در صورتی که جنس زن را ترسو، خجالتی و مطیع می‌دانند.

جدول شماره ۱۷- نتایج آزمون T-test بین ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین سهل‌گیر

متغیرها	واریانس‌ها	میانگین	کمیت t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتایج آزمون
ادراک نقش‌های جنسیتی و والدین سهل‌گیر	با واریانس برابر	۱/۸۳	-۱/۹۵۵	۲۰۸	۰/۲۹۶	تأیید فرضیه صفر
	نابرابری واریانس	۱/۴۶				

۳- بین عقاید قالبی جنسیتی و والدین سهل‌گیر رابطه‌ی معناداری وجود دارد. نتایج آزمون $T = 0/29$ $sig = 0/29$ می‌باشد و در نتیجه فرضیه‌ی اصلی رد می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده دانشجویانی که با والدین سهل‌گیر بزرگ شده‌اند از نظر عقاید قالبی جنسیتی تفاوتی ندارند با دانشجویانی که با والدین مقتدر بزرگ شده‌اند. والدین سهل‌گیر آزادی بیشتری برای فرزندان خود اعم از دختر و پسر قائل هستند در نتیجه فرزندان تفاوتی بین دو جنس احساس نمی‌کنند.

تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی هفتم

بین کلیشه‌های جنسیتی دختران با پسران رابطه‌ی معناداری وجود دارد. فرضیه‌ی اصلی تأیید و فرضیه‌ی صفر رد می‌شود. با استفاده از روش تحلیل مسیر، میزان شدت رابطه‌ی معنادار میان متغیرهای

مستقل و وابسته مشخص گردید. بررسی دیدگاه‌ها نسبت به صفات کلیشه‌ای بر پایه‌ی تفکیک جنسیتی این مزیت را دارد که می‌توان پی برد هر یک از دو جنس تا چه حد از کلیشه‌ی جنسیتی خود آگاه بوده و آن‌ها را می‌پذیرد و این پذیرش در مقایسه با نگرش جنس مخالف در چه سطحی قرار دارد. برخی از سازه‌های جنسیتی دختران از جانب آن‌ها نمرات بالاتری را دریافت کرده‌اند. عاطفی بودن، داشتن رفتار اجتماعی مطلوب، رفتار همدلانه، باحیایی و صبوری کلیشه‌های است که دختران نسبت به آن‌ها تصور کلیشه‌ای تری داشته‌اند. در این سازه‌ها ملاحظه می‌شود که در سطح معنی داری نمرات با حیایی ریا، صبوری، دلسوزی، روابط اجتماعی مطلوب و رفتار فردی مثبت دختران بالاتر است. این نشان می‌دهد که برای دختران روابط اجتماعی و ارزش‌های حاکم بر آن همچون تبعیت از قوانین و امانت داری و گذشت نسبت به دیگران حائز اهمیت است. همچنین خویشتن داری را در قالب حیا و صبر بیشتر صفت مختص به خود می‌دانند، و پسران نیز نمرات بیشتری را برای صفات عقلانیت رفتاری (ریسک پذیری)، اقتدارگرایی (شجاع و قوی بودن)، نداشتن وابستگی داده‌اند؛ و این نشان می‌دهد که پسران صفات شجاع و قوی بودن، نداشتن وابستگی و سلطه‌گری را مختص به خود می‌دانند. در مجموع باید گفت که دختران ارزیابی بالاتری را در برخورداری هر جنس از سازه‌های جنسیتی خود اظهار نموده‌اند. یعنی دارای نگرش کلیشه‌ای تری در رابطه با تفکیک صفات بوده‌اند. در حالی که در برخورداری از سازه‌های جنس مخالف هر دو جنس نمرات بالاتر را به خود اختصاص داده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

نگرش‌های مبتنی بر جنسیتی زمان، همواره وجود داشته و مسیر رفتارها و نقش‌های مردان و زنان را مشخص ساخته است. کلیشه‌های جنسیتی بازتاب چنین نگرش‌هایی است که اغلب یک اجماع اجتماعی را بر سر چگونگی اعمال و رفتارهای جنسیتی نشان می‌دهد، بدون این که الزاماً ارتباطی با تفاوت‌های فردی اشخاص داشته باشد چنین ساختاری هر چند ناآگاهانه ممکن است در روند

شکوفایی و بروز استعداد‌های فردی و توانمندی‌های هر یک از دو جنس اختلال ایجاد کند و یا موانعی بر سر راه برخورداری یک جنس از حقوق انسانی و مشروع خود گردد. از آنجایی که نقش‌های جنسیتی در خانه، مدرسه، مهد کودک‌ها و مراکز علمی، گروه همسالان و رسانه‌های جمعی باز تولید و تثبیت می‌شود، بنابراین نخستین گام در این جهت جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی صحیح و متناسب با منافع و مصالح هر دو جنس می‌باشد در این مقاله، توجه ما بیشتر بر روی خانواده بوده است و به نقش خانواده در جامعه‌پذیری و یادگیری عقاید قالبی جنسیتی توجه شده است. بر پایه‌ی نظریه‌های سنتی زن و مرد دو سوی یک قطب هستند که در یک سمت ویژگی‌های زنان (زنانگی) و در سوی دیگر ویژگی‌های مردانه (مردانگی) قرار دارد. بنابراین ارجاع تفاوت‌های بین زنان و مردان به پایه‌های زیستی و در نتیجه غیر قابل‌تغییر جلوه دادن آن‌ها نه تنها به تقلیل پایگاه اجتماعی و دور شدن یک جنس از صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد بلکه به تبعیض‌های جنسیتی و گسترش آسیب‌های اجتماعی خواهد انجامید.

واژه‌هایی که به دو جنس نسبت داده می‌شود دارای سوگیری جنسیتی است به طوری که دختران فقط جذاب و بانمک هستند. در حالی که پسران باهوش و محبوبند. دختران بر خلاف پسران که به استقلال و قاطعیت خود اهمیت می‌دهند و از ریسک‌ها واهمه‌ای ندارند، وابسته، محافظه‌کار تر و قانون‌پذیر تر معرفی شده‌اند. دختران در روابط خود احساسی‌تر عمل کرده و از خود خویش‌داری و صبوری نشان می‌دهند. از پسران نیز انتظار می‌رود در جامعه از احساسات و عواطف هر چه بیشتر فاصله بگیرند؛ و به شغل‌هایی گرایش یابند که با عقلانیت و منطق سازگارتر باشد. در حالی که همین انتظار تک بعدی از پسران و نگرشی که فرصت توجه به ابعاد احساسی و عاطفی را از آن‌ها سلب می‌کند، موجب بروز تنش‌ها و ناسازگاری‌هایی در روابط اجتماعی آن‌ها خواهد شد که بی‌تأثیر از نوع تصور کلیشه‌ای حاکم بر جامعه نخواهد بود. بنابراین آنچه که رفتار و عمل افراد را شکل می‌دهد انتظارات اجتماعی است. چرا که همان‌طور که بررسی نشان داده یک جنس به وجود کلیشه‌های جنس دیگر در گروه جنسی خود اعتقاد بیشتری دارد. با این حال وجود تفاوت‌ها و در پی آن ظهور کلیشه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

منابع فارسی

- انزازی، ش. (۱۳۸۰). تحلیل ساختاری جنسیت، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. .
جنکینز، جان. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ت: نوج یارا حمدی، تهران، نشر شیرازه
مهدوی، م. (۱۳۸۰). تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در جوامع اولیه، نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، تهران انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
هاجری، ع. (۱۳۸۲). جنس و جنسیت، ماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان شماره ۲، بهمن ۸۲. تهران صص ۲۸۲-۲۸۱
احمدی، ل و نبوی، س.ع. (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی در نابرابری جنسیتی نمادی در خانواده (نابرابری در قدرت تصمیم‌گیری)» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶، ص ۵۹-۸۲
ظهره‌وند، ر. (۱۳۸۳). «رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس» پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۱۷

منابع لاتین

- Meade .G.H. (۱۹۶۷). *Mind, self and society*. university of Chicago press.
Bem.S. (1985). *Androgyny and gender scheman theory: A conceptual and empirical integration*; Intheo. B.Sonderegger (ED) Nebraska.
Symposium. On motivation.1984.Psychology and gender
Bem.S. (1981). *Gender schema theory: Acognitive account of sexyping – psychological Review* .88-354-364.
Erikson, Erik H. 1950. *Childhood and society*. New York: Norton.
Wood, J.T.1999. *Gendered lives, Communication, Gender, and Culture, Canada: Wadsworth publishing Inc 3rd Ed*.
Bem, s.l. 1985. *Androgyny and Gender schema Theory: Aconceptual and empirical integrations*. Pp. 179- 226 In Nebraska symposium on Motivation.1984: psychology and Gender edited by b.sonder.Lincoln, NE: university of Nebraska press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی